

[مساله: بررسی ملازمه بین تعلق نهی به عبادت و معامله و فساد آنها 1](#_Toc81937473)

[مقدمه اول: فرق بین مساله اجتماع امر و نهی و مساله اقتضا 2](#_Toc81937474)

[نظریه مرحوم آخوند: تفاوت در جهت مبحوث عنها 2](#_Toc81937475)

[تفاوت دو مساله از منظر استاد 2](#_Toc81937476)

[ربط بین مساله اجتماع با مساله اقتضا از منظر آخوند 2](#_Toc81937477)

[اشکال مرحوم آغا ضیا به ربط بین دو مساله 3](#_Toc81937478)

[نکته اول در کلام آغا ضیا: تکمیل ادعای اول ایشان 4](#_Toc81937479)

[نکته دوم در کلام آغا ضیا: اشکال استاد به مدعای ایشان 4](#_Toc81937480)

[تقریب دیگر برای اثبات نهی واصله بودن موضوع مساله اجتماع 5](#_Toc81937481)

[کیفیت جمع بین حکم به صحت نماز و فعلی بودن نهی در فرض جهل به غصبیت 5](#_Toc81937482)

**موضوع**: فرق بین مساله اجتماع و مساله اقتضا /بیان امور مقدماتی /ملازمه بین فساد و تعلق نهی به عبادات و معاملات

**خلاصه مباحث گذشته:**

بعد از مساله اجتماع امر و نهی، نوبت به بحث از مساله تعلق نهی به عبادات و معاملات و اقتضای فساد در آنها می­رسد. در این جلسه استاد به بیان امور مقدماتی که برای مساله اقتضا مطرح شده است، می­پردازد.

# مساله: بررسی ملازمه بین تعلق نهی به عبادت و معامله و فساد آنها

فصل جدید در بحث اصول، در رابطه با النهی یقتضی الفساد است. هل النهی عن العباده او المعامله یقتضی فسادهما ام لا؟ روش ما این است که طبق فرمایشات مرحوم آخوند بحث می­کنیم. یعنی اساس و متن بحث ما کفایه است. مرحوم آخوند نیز در این فصل مثل کثیری از فصول، اموری را به عنوان مقدمه ذکر کرده است.[[1]](#footnote-1)

### مقدمه اول: فرق بین مساله اجتماع امر و نهی و مساله اقتضا

مثلا در مساله اجتماع به این نتیجه می­رسیدیم که امتناعی هستیم و نهی مقدم است و عبادت فاسد است. در مساله اقتضا نیز بحث فساد مطرح است. شباهت در دو مساله از جهت وجود دارد.

### نظریه مرحوم آخوند: تفاوت در جهت مبحوث عنها

مرحوم آخوند در مساله اجتماع فرمود[[2]](#footnote-2): بین مساله اجتماع و مساله اقتضا در جهت مبحوث عنها تفاوت وجود دارد. در این جا نیز همان را تکرار کرده است. یعنی جهت مبحوث عنها مایز بین دو مساله است. جهت بحث در مساله اجتماع این بود: آیا تعدد عنوان مجزی برای بقا امر و نهی هست، با این که معنون واحد است، یا تعدد عنوان مجزی نیست. بعضی می­گفتند حکم از عنوان به معنون سرایت نمی­کند و مجزی هست و بعضی بر خلاف. چیزی که مد نظر است و محط سخن است این بود که آیا تعدد عنوان مجزی است یا نه؟ بر خلاف محل بحث که جهت این است آیا نهی دلالت بر فساد عبادت دارد یا نه؟

### تفاوت دو مساله از منظر استاد

ما در مساله اجتماع بحث کردیم و تکرار نمی­کنیم. علاوه بر جهت بحث، موضوع و محمول هم متفاوت است. در مساله اجتماع از لحاظ حکم بحث یجوز است و در اینجا بحث فساد و صحت است. در این جا از لحاظ موضوع نهی مقتضی فساد است ولی در مساله اجتماع، بحث اجتماع امر و نهی است. مرحوم آخوند باید این گونه بگوید که فرق آنها واضح است.

### ربط بین مساله اجتماع با مساله اقتضا از منظر آخوند

مرحوم آخوند تتمه ای دارد[[3]](#footnote-3). این تتمه را هم در بحث اجتماع گفته است. بین دو مساله یک ارتباطی برقرار کرده است. اگر ما در مساله اجتماع امتناعی شدیم و نهی را هم مقدم کردیم که مشهور هم همین بود. با توجه با این دو مقدمه که آخوند قبول دارد، صغری برای بحث اقتضا تشکیل می­شود. یعنی نتیجه اجتماع این شد: وقتی امر و نهی داریم، نهی مقدم است و عمل منهی عنه است که در این صورت صغری مساله اقتضا است. در حقیقت نتیجه مساله اجتماع علی بعض الاقوال صغری مساله اقتضا می­شود.

#### اشکال مرحوم آغا ضیا به ربط بین دو مساله

مرحوم آغا ضیا فرموده است[[4]](#footnote-4): همین ارتباط هم وجود ندارد. نتیجه مساله اجتماع امر و نهی با همین دو مقدمه (امتناعی بشویم و تقدم نهی) صغری مساله اقتضا واقع نمی­شود؛ زیرا موضوع بحث اجتماع، النهی الواصل و حرمت منجز است. موضوع بحث اقتضا، نهی واقعی است. نهی منجز و واصل که صغرای نهی واقعی نمی­شود.

ایشان مدعی است: در مساله اجتماع، مراد نهی واصل و منجز است شاهدش این است که جوازی ها و امتناعی ها در فرض جهل به حرمت، قائل به صحت نماز هستند؛ پس محل بحث، نهی منجز است. اگر کسی جاهل به غصبیت مکان است و نماز خواند، نماز صحیح است. پس مقصود از نهی در مساله اجتماع نهی منجز و واصل است. بر خلاف مساله اقتضا که مراد نهی واقعی را بحث می­کنند. در حقیقت اقتضای فساد از این جهت است که متعلق نهی مصحلت ندارد و دارای مفسده است؛ لذا فاسد است. واقعا اگر کسی حائض بود و نماز خواند، نمازش باطل است و لو این که جاهل به حیض باشد. کسی صوم عیدین را گفت باطل است و لو این که جاهل یا ناسی باشد. موضوع بحث اقتضا نهی واقعی به ملاک عدم مصلحت و وجود مفسده است. اما باب اجتماع امر و نهی، امر مثل نهی ملاک و مصحلت دارد. اگر امتناعی ها می­گویند نماز در دار غصبی مع العلم باطل است به خاطر این است که مبعد است و مقربیت ندارد؛ نه از باب این که مصحلت ندارد و تذکر این نکته لازم است که مبعدیت منحصر به فرض وصول است.

پس ایشان دو ادعا دارد:

1. در باب اجتماع نهی واصل موضوع است. شاهدش این است که در فرض جهل نماز صحیح است.
2. مراد از نهی در مساله اقتضا نهی واقعی از جهت خلو از مصحلت و واجدیت مفسده است که ربطی به علم و جهل مکلف ندارد.

نتیجه کلام آغا ضیا: اگر امتناعی شدیم و نهی را مقدم کردیم، صغرای بحث اقتضا نمی­شود؛ زیرا نتیجه این می­شود که نهی واصل مفسد عبادت است در حالی که موضوع مساله اقتضا نهی واقعی است.

##### نکته اول در کلام آغا ضیا: تکمیل ادعای اول ایشان

ما ادعای اول مرحوم اغا ضیا را که فرموده است در باب اجتماع امر و نهی، نهی واصل مد نظر است، باید تکمیل کنیم؛ چرا که یک تبصره دارد.

بیان مطلب: بر مبنای مثل مرحوم نائینی مدعای مرحوم آغا ضیا درست نیست. نائینی می­گفت حتی در فرض جهل اجتماع امر و نهی درست نیست و نهی فعلی است و اگر امتناعی شدیم اجتماع جایز نیست. لذا اگر کسی در دار غصبی عن جهل نماز بخواند نماز باطل است؛ زیرا چیزی که نمی­تواند با امر اجتماع پیدا کند، نهی واقعی است نه واصل. مرحوم آغا ضیا از کسانی است که مبانی نائینی را ملاحظه و مناقشه می­کرده و خوب بود که این مبنا را استثنا می­کرد. آغا ضیا بر مسلک مشهور حرف زده و بر مبنای نائئینی صغرویت تمام است.

##### نکته دوم در کلام آغا ضیا: اشکال استاد به مدعای ایشان

بر مبنای مرحوم آخوند هم مراد از نهی در باب اجتماع امر و نهی نهی واقعی است، نهی منجز نیست. آخوند که می­گفت در ظرف جهل عبادت صحیح است به خاطر این بود که نهی فعلیت ندارد و منکر صغری بود. اجتماع امر و نهی جایز است، مراد نهی واقعی است نه منجز. به مشهور هم همین را نسبت می­داد و به نظر ما این نسبت صحیح بود. کلمات مشهور را پیدا کردیم و مشهور نسبت به نماز در دار غصبی عن جهل حکم به صحت می­کردند و آن را معلل به عدم فعلیت نهی می­کردند. ما می­گفتیم حق با مرحوم آخوند است بر خلاف مرحوم نائینی. پس ظاهر عنوان مساله اجتماع، نهی واقعی است و همین هم مراد است. حکم به صحت مشهور نسبت به نماز در دار غصبی عن جهل کشف نمی­کند که نهی واصل مراد است. نکته ظریف این مطلب همین جا است. آغا ضیا مدعی است که حکم مشهور به صحت نماز در دار غصبی عن جهل کشف از این مطلب می­کند و موضوع نهی در مساله اجتماع نهی واصل است در حالی که درست نیست. مقصود نهی واقعی است؛ ولی در ظرف جهل نهی واقعی فعلیت ندارد.

خلاصه: این که مرحوم آغا ضیا فرموده است نهی در باب اجتماع نهی واصل است ،صحیح نیست؛ بلکه نهی واقعی است.

###### تقریب دیگر برای اثبات نهی واصله بودن موضوع مساله اجتماع

ممکن است گفته شود موضوع مساله اجتماع، نهی واصل است و یک تقریب دیگری مطرح شود.

بیان مطلب: همه مشهور که نگفتند نهی ندارد. مشهور می­گویند: احکام فعلی مشترک بین عالم و جاهل است. یعنی جاهل حکم فعلی دارد. لا اقل عده از مشهور قائل به فعلیت نهی در ظرف جهل هستند. این که در ظرف جهل، نهی فعلی باشد، لازمه مبنای مشهور است؛ زیرا مشهور احکام فعلی را مشترک می­دانند. شیخ گفت بر این مطلب اخبار متواتر داریم. پس اگر قول مشهور این باشد که نماز مع الجهل صحیح است، از این باب است نهی واصل نشده است، نه این که نهی ندارد. هم لازمه مبنای مشهور فعلیت نهی در ظرف جهل و هم ظاهر بعضی از کلمات این است که چون واصل نشده است. پس این که موضوع بحث در بحث اجتماع، نهی واصل باشد، یک تقریبی دارد.

###### کیفیت جمع بین حکم به صحت نماز و فعلی بودن نهی در فرض جهل به غصبیت

سوالی که مطرح می­شود این است که به چه بیان نهی فعلی است و نماز هم صحیح است؟ آغا ضیا یک تلاشی کرده است و گفته است که این حرف درست است. نکته دقیق در این جا همین مطلب است.

ایشان مدعی است که در ظرف جهل، حرمت فعلی استف مع ذلک در باب اجتماع امر و نهی عبادت صحیح است. مفسده نهی غالبه است ولی با این حال گفته است این عبادت صحیح است و امر هم ندارد چرا که اجتماع ضدین محال است. در حقیقت نماز امر ندارد و نهی هم مفسده غالبه دارد مع ذلک عبادت صحیح است و نهی هم فعلی است.

مرحوم آغا ضیا مدعی شده است که صحت عبادت موقوف بر این است که عمل، ملاک داشته باشد. یعنی اولا حسن فعلی داشته باشد. عمل بلا ملاک عبادت واقع نمی­شود و این مطلب واضح و از ضروریات است. ثانیا این عمل از مکلف قربیا صادر بشود. و لو عمل مبغوض مولا باشد و مفسده غالبه هم داشته باشد؛ ولی اگر مصحلت داشته و لو مغلوبه و قربیا هم از مکلف صادر شد، عمل صحیح و عبادت است. نظیر کسی که مضطر به غصب لا بسوء اختیار است. این عمل مبغوض شارع است؛ ولی اگر مضطر شد همین مبغوض را می­تواند قربیا انجام دهد و قصد قربت متمشی می­شود. باید هم حسن فعلی و هم حسن فاعلی داشته باشد. عمل قربی مبعد نباید باشد نه مبغوض.

ما در تایید فرمایشان ایشان می­گوییم: مثالی که ایشان مطرح کرده را قبول نداریم؛ زیرا عمل مضطر لا بسو اختیار اصلا مبغوض نیست؛ زیرا رفع ما اضطروا الیه مبغوضیت را بالالتزام بر می­دارد؛ چرا که اماره است و اصل عملی نیست. حرمت را واقعا بر می­دارد و واقعا حلیت را می­آورد و التزاما مبغوضیت هم از بین می­رود. ما مثال را تغییر می­دهیم.

در بحث شخصی که وارد در دار مغصوبه شده می­گفتیم باید خارج شود و این خروج هم مبغوض است؛ ولی می­تواند قصد قربت کند. خدایا چون که تو گفتی ادامه غصب حرام است، خارج می­شوم. چون که بسوء اختیار است، مبغوض است؛ ولی قصد قربت متمشی می­شود. ما برای صحت عبادت، محبوبیت فعلیه را شرط نمی­دانیم بلکه مبغوضیت فعلیه هم داشته باشد اشکالی ندارد. مهم این است که حسن فعلی و ملاک داشته باشد و حسن فاعلی هم که قصد قربت است داشته باشد.

ایشان گفته است: این مطلب در باب نماز در دار غصبی عن جهل محقق است. در باب اجتماع امر و نهی، امر مصحلت دارد؛ پس حسن فعلی داریم. مکلف هم قربیا انجام می­دهد. زیرا این شخص یا جاهل بسیط و یا مرکب است. اگر جهل مرکب است که یقین دارد نهی ندارد واضح است که قصد قربت را انجام می­دهد. در جهل بسیط هم که شک در غصبیت دارد، طبیعتا به صورت رجاءا نماز را انجام می­دهد و قربی هم انجام می­دهد. اصلا کسی که نماز می­خواند قصد قربت می­کند و الا نماز نمی­خواند. بله؛ فرض ریا را کاری نداریم و بحث دیگری است.

خلاصه: نکته صحت عبادت در دار غصبی مع الجهل همین مطلب است. پس موضوع مساله اجتماع نهی واصل نه واقعی.

1. کفایه الاصول ( طبع آل البیت) ص 180 [↑](#footnote-ref-1)
2. کفایه الاصول (طبیع آل البیت) ص 150 [↑](#footnote-ref-2)
3. همان ص 151« نعم لو قيل بالامتناع مع ترجيح جانب النهي في مسألة الاجتماع يكون مثل الصلاة في الدار المغصوبة من صغريات تلك المسألة» [↑](#footnote-ref-3)
4. نهایه الافکار ج 2 ص 450 « قد مرّ سابقا وجه الفرق بين هذه المسألة و المسألة السابقة و محصل الفرق بينهما هو رجوع البحث في المقام حسب ما هو ظاهر العنوان إلى اقتضاء النهي بوجوده الواقعي للفساد بملاحظة كشفه و لو بالملازمة العرفية عن عدم الملاك و المصلحة في متعلقة، و من ذلك يدور الفساد و عدمه على الاقتضاء مدار وجود النهي واقعا و عدمه، كان المكلف عالما بالنهي أم جاهلا به، و هذا بخلافه في تلك المسألة حيث ان الفساد فيها على الامتناع انما يدور مدار العلم بالنهي لا مدار النهي بوجوده الواقعي النّفس الأمري، و من ذلك أيضا عرفت بنائهم على صحة عبادة الجاهل القاصر أو الناسي إذا أتى بها في مكان مغصوب و عليه فلا تكون لإحدى المسألتين مساس بالأخرى بوجه من الوجوه، و معه لا يبقى مجال لما أفيد كما في الكفاية من جعل نتيجة المسألة السابقة على الامتناع و تقديم جانب النهي من صغريات هذه المسألة، كيف و قد عرفت ان الفساد في تلك المسألة انما هو من جهة خلوّ المتعلق عن الملاك و المصلحة و من ذلك لو قام دليل على الصحة في قبال النهي لوقع بينهما التكاذب و يرجع فيهما إلى قواعد باب التعارض، و مثل ذلك ينافى جدا بنائهم على صحة صلاة الجاهل بالغصبية، كما هو واضح» [↑](#footnote-ref-4)